



غرب با ترکیبی از تهدید به گسترش جنگ به لبنان و ارائه پیشنهادهای آتش بس به دنبال بدیل سازی برای جنگ نظامی یا توسعه ابعاد سیاسی جنگ است

قمار در میز پس از میدان



سید مهدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

در فقدان دسترسی به دستاوردهای قاطع و قابل توجه توسط دو طرف جنگ، برداشت از طرف پیروز تا حد زیادی در «ذهن»ها و نه در «میدان» صورت می‌گیرد. به لحاظ جغرافیایی ارتش رژیم صهیونیستی وارد نوار غزه شده، زیرساخت‌ها مانند تأسیسات درمانی، برق، مدارس و تصفیه‌خانه‌های آب را نابود و سه چهارم خانه‌ها را نیز ویران یا غیرقابل سکونت کرده اما این همه نابودی، پیروزی از دل جنگ بیرون نیاورده است. نتایجها همچنان دست و پا می‌زند تا به دستاوردی برسد که در آن، هم جامعه صهیونیست‌ها و هم دولت‌های دیگر با مشاهده آن در دستان وی به پیروزی رژیم اذعان کنند. اگر حملات هوایی در هفته‌های نخست جنگ در انتقام از حمله ۷ اکتبر بود و توقعی برای دستیابی به دستاورد از آنها نمی‌رفت، ورود زمینی به غزه برای حل و فصل نهایی کانون بحران علیه رژیم بود. از این رو تمام توقعات از کسب دستاورد بر این مرحله متمرکز شد. دولتمردان تل‌آویو آزادسازی تمام اسرا، نابودی حماس و کنترل غزه را به عنوان هدف‌های خود از ورود زمینی به غزه عنوان کرده بودند؛ اهدافی که امروز مشخص است غیرقابل تحققند. در روزهای اخیر ایهود اولمرت، نخست‌نویز سابق رژیم صحن غیروقعی خواندن هدف‌گذاری نابودی حماس، نتایجها را به دلیل این هدف‌گذاری شماتت کرده است. گادی آیزنکوت، عضو دولت اضطراری نتانیاهاو یکی از پنج عضو کابینه امنیتی (کابینه کوچک) نیز مدتی قبل خواستار بازگرداندن اسرا با توافق شده بود.

غرب و صهیونیست‌ها برای مدیریت اوضاع قصد دارند فضای جنگ در غزه را از شکل دیگری نظامی، به حوزه‌های بدیل بکشانند یا حداقل سهم ابعاد سیاسی را در دیگری‌ها افزایش دهند. سهم ابعاد سیاسی دیگری‌ها در ابتدای جنگ بسیار اندک بود. مقامات غربی به‌ویژه آمریکایی صراحتاً مخالفت خود با آتش بس را برآزمی کردند. به عبارتی دیگر مقامات سیاسی حتی در اظهار نظرهای خود به جای رعایت ظاهر دیپلماتیک بر طبل جنگ می‌کوبیدند. با این حال با آشکار شدن نشانه‌های شکست، آنها تلاش کردند با صحبت از آتش بس و تعدد بخشی به گفت‌وگو با طرفین ذی نفع در قضیه فلسطین، ابعاد سیاسی دیگری‌ها را گسترش دهند. این بعد بخشی سیاسی نیز چندان به کمک صهیونیست‌ها نیامد. از این رو غرب و تل‌آویو امروز به دنبال بدیل سازی هستند. تفاوت «بدیل سازی» و «توسعه ابعاد سیاسی» در اتصال آنها به جنگ نظامی است. در طرح توسعه ابعاد سیاسی دیگری‌ها، این اقدام در حین مدنظر قرار داشتن جنگ نظامی صورت می‌گرفت. به عبارتی اگر در برهه‌ای ۹۰ درصد دیگری در حوزه نظامی و ۱۰ درصد رویارویی در عرصه سیاسی بود، به تدریج از سهم نظامی کاهش یافته و به ابعاد سیاسی تنش‌ها افزوده می‌شد. بدیل سازی برای جنگ اما با توسعه ابعاد سیاسی اندکی متفاوت است. غرب قصد دارد جنگ نظامی را از دایره تاثیر خارج کرده و میدان دیگری‌ها را به طور کامل به حوزه سیاسی منتقل کند و این‌گونه بدیلی سیاسی برای جنگ نظامی بیابد.

پیگیری سیاسی اهدافی که با تنگ به دست نیامدند

طرح‌های صلح روند طبیعی پایان جنگ هستند و در کلان برای بیرون رفت رژیم از محاصره طراحی شده‌اند اما طرح‌های ارائه شده توسط طرف‌های نزدیک به غرب، ویژگی‌هایی دارند که برای تخفیف اثرات شکست صهیونیست‌ها، در پیشنهادها تعبیه شده‌اند.

۱ خروج فرماندهان حماس از غزه

در ابتدای جنگ نابودی کامل حماس هدف آغاز مرحله زمینی عنوان شد. با ناکامی اجرای این طرح، رژیم و متحدان‌شان به دنبال ارائه هدفی بدیل اما قابل ارائه به جامعه صهیونیستی هستند. در وهله نخست به زعم صهیونیست‌ها خروج فرماندهان اصلی حماس از غزه می‌تواند به آرامش در میان شهرک‌نشینان منجر شده و تعداد بیشتری از آنها را برای بازگشت به منازل خود در منطقه غلاف غزه ترغیب کند. در وهله دوم به لحاظ پیش‌زمینه ذهنی، خروج فرماندهان حماس از غزه مشابهتی با خروج یاسر عرفات و همراهانش از لبنان در سال ۱۹۸۲ دارد. عرفات برای مدت‌ها از جنوب لبنان عملیات‌های نفوذ به فلسطین اشغالی را طراحی می‌کرد و خروج وی به همراه نیروهایش از این کشور باعث کاهش فعالیت مبارزان فلسطینی علیه رژیم شد. سران رژیم به دنبال زنده کردن یاد و خاطره این اتفاق در ذهن شهرک‌نشینان هستند. در وهله سوم این اقدام می‌تواند باعث سرخوردگی در میان مبارزان مقاومت شود. آنها پیش از این نیز سابقه تبعید داشته‌اند اما این روند برای مدت‌ها معکوس شده بود. تبعیدی در کار نبود و اسران نیز از زندان آزاد می‌شدند. از این رو بازگشت به دوره تبعیدی می‌تواند یک سرخوردگی یا سرکشتگی برای فلسطینی‌ها باشد.

۲ اداره غزه

در اداره غزه، باید میان اداره مدنی مانند مسئول بخش خدمات‌رسان با اداره نظامی که مسئول تأمین امنیت است، تفاوت قائل شد. برای مدتی، صهیونیست‌ها از مسئولیت کامل در غزه صحبت می‌کردند. پس از مدت کوتاهی مواضع تغییر کرد که بر مبنای آن تل‌آویو کنترل نظامی را برعهده می‌گرفت اما اداره امور مدنی را به شرط سهم نبودن حماس، به طرف‌های بین‌المللی واگذار می‌کرد.

صهیونیست‌ها اما مخالف اداره این امور به تشکیلات خودگردان بودند. این مواضع اما زمانی ارزش می‌یافت که رژیم می‌توانست به لحاظ نظامی حماس را مغلوب کرده و غزه را اشغال کند. بدون تصرف غزه، اجرای این طرح‌ها امکان‌پذیر نبود. حالاً اما تلاش می‌شود از طریق اشباع فضای رسانه‌ای با طرح‌های صلح و به کار انداختن ابزارهای دیپلماتیک نحوه اداره غزه تعیین شود؛ بدون اینکه از غلبه نظامی حرفی در میان باشد. هنگامی که رژیم از آرزوهای خود برای نحوه اداره غزه صحبت می‌کرد، همه منتظر پیروزی نظامی و سیطره صهیونیست‌ها بر غزه بودند اما جالب آنکه امروز با فضا سازی‌های صورت گرفته، کسی نمی‌تواند پیشنهادهایی که غرب در حال حاضر مطرح کرده باید چگونه اعمال شوند. حالاً کسی منتظر غلبه نظامی نیست و به لحاظ روانی شرایط برای بدیل سازی برای جنگ فراهم شده است.

۳ ایجاد شرایط تشکیل کشور فلسطین

با توجه به شهرک‌سازی‌های گسترده رژیم در کرانه باختری و نزدیکی بسیار زیاد این منطقه به نقطه اصلی تمرکز جمعیتی و تأسیساتی رژیم در فلسطین اشغالی، تشکیل کشور فلسطینی تقریباً محال است. با این حال مطرح کردن آن یک ابزار بزرگ برای انتقال از مرحله نظامی به بدیل سیاسی فراهم می‌آورد. غرب و جامعه بین‌المللی از راهکار دودولتی صحبت می‌کنند. دولت نتانیاهاو با آن به شکل علنی و شدید مخالفت می‌کند و با شکل‌گیری یک دیگری بزرگ با دولت بر سرکار در تل‌آویو، صحنه دیگری میان فلسطین-رژیم تغییر کرده و به همراه آن جنگ نظامی نیز محو می‌شود. در این اقدام نتانیاهاو و راست‌گرایان همراه وی در همکاری با غرب دست به جنگ زگری نمی‌زنند اما غرب با این اقدام ضمن بدیل سازی سیاسی، زمینه‌های ضربه به دولت تندروی وی را نیز فراهم می‌کند. غرب با این اقدام ضمن بدیل سازی برای جنگ نظامی و خارج کردن رژیم از ضربه، با دیگری شدن با دولت نتانیاهاو و تدریجاً از مسیر حمایت از تشکیل کشور فلسطین، خود را از تبعات همراهی با جنایت‌های رژیم در غزه نیز رها می‌کند.

تهدید لبنان به جنگ

آمریکا و به‌طور ویژه‌تر اتحادیه اروپا خود را مخالف گسترش جنگ معرفی می‌کنند. منابع آنها نیز این نکته را نشان می‌دهد. اما هر دو مجموعه لبنان را به جنگ با رژیم صهیونیستی تهدید کرده‌اند. از سوی دیگر صهیونیست‌ها به لحاظ نظامی در غزه ناکام مانده و به شدت ضربه خورده‌اند. نابودی نزدیک به ۱۱۰۰ خودرو زرهی، معلولیت ۴ هزار نفر، تعداد بالای کشته‌ها و زخمی‌ها به همراه بحران اقتصادی و خستگی جبهه داخلی ظرفیت اندکی برای کشاندن جنگ به لبنان باقی گذاشته است. از سوی دیگر مقاومت لبنان بزرگ‌تر، مجهزتر و با تجربه‌تر از مقاومت غزه است و در محاصره نیز نیست. همچنین حمله به لبنان می‌تواند حلقه فشارهای بین‌المللی علیه رژیم را تنگ‌تر کرده و جبهه‌های سوریه و عراق را علیه صهیونیست‌ها فعال‌تر سازد. هر چند نمی‌توان احتمال وقوع جنگ را نادیده گرفت اما به نظر می‌رسد غرب با تهدید لبنان با حمله رژیم صهیونیستی می‌کوشد بدیل سازی برای جنگ نظامی را تقویت کند. با تهدید لبنان به جنگ ضمن محو شدن جنگ در غزه، دیگری فلسطین-رژیم به دیگری ایران-رژیم منتقل شده و همزمان راهکار بدیل جنگ نظامی نیز تقویت می‌شود زیرا جنگ با لبنان آنقدر زیان‌بار خواهد بود که همگان به سمت میسر بدیل سیاسی کشانده می‌شوند.

وظیفه مقاومت

وظیفه محور مقاومت خنثی ساختن تلاش‌ها برای بدیل سازی جنگ است. تلاش برای تشدید محاصره نظامی رژیم از طریق کشانده شدن این سیاست به دریای مدیترانه و آغاز حملات سنگین به مواضع صهیونیست‌ها در کرانه باختری می‌تواند تلاش برای بدیل سازی را از طریق حفظ خط آتش روی فلسطین اشغالی خنثی کند.



طرح‌های غرب و متحدانش درباره جنگ غزه انتزاعی هستند و کمکی به رژیم صهیونیستی نمی‌کنند

آتش بس‌های خیالی

رژیم صهیونیستی نه به دلیل توانمندی در اداره جنگ بلکه به دلیل ناتوانی در خروج آبرومندانه از آن همچنان به جنگ ادامه می‌دهد. صهیونیست‌ها بدون جنگ از اختلافات سیاسی بزرگی رنج می‌برند که باعث شده بود تعدادی از آنها به فکر خارج شدن از فلسطین اشغالی باشند. جنگ در غزه بدون آنکه باعث وحدت و اتمام اختلافات شود، بر دوش آنها سوار شده و ضربه‌ای عمیق‌تر به صهیونیست‌ها وارد کرد.

تل‌آویو امروز با مشکلاتی روبه‌رو است که در خواب نمی‌دید اما در بیداری برایش تعبیر شدند؛ تخلیه شهرک‌های غلاف غزه، فرار شهرک‌نشینان از شمال سرزمین‌های اشغالی، پرتاب ۲۰۰ پهپاد انتحاری و ۵۰ موشک بالستیک با برد ۲ هزار کیلومتر از سمت یمن، اصابت موشک‌های کروز شلیک شده توسط مقاومت اسلامی عراق به بلندی‌های جولان، بندر حیفا، ایلات و نواحي اطراف بحر المیت، با این پیچیدگی‌ها و اینابناست مخاطرات، صهیونیست‌ها نه راه پس و نه را پیش دارند. به همین دلیل غربی‌ها در تلاشند با به‌کارگیری حداکثری امکانات خود، زمینه توسعه ابعاد سیاسی جنگ را فراهم آورده و صهیونیست‌ها را از آتش نجات دهند. در این بخش به شرح طرح‌های صلح پیشنهادی پرداخته شده و بررسی‌هایی درباره آنها صورت گرفته است.

۳ طرح همزمان توسط ۱۰ دولت

روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز روز شنبه اعلام کرد ۱۰ دولت شامل آمریکا، اعراب و رژیم صهیونیستی سه توافق همزمان مدنظر دارند. این سه توافق شامل:

- توافق اول، شامل مبادله بیش از ۱۰۰ اسیر اسرائیلی در اختیار حماس و آزادی هزاران فلسطینی در زندان‌های اسرائیل است.
- توافق دوم بر تغییر شکل تشکیلات خودگردان فلسطین متمرکز است که بخش‌هایی از کرانه باختری تحت اشغال اسرائیل را اداره می‌کند. مقامات آمریکایی و عربی در حال بحث در مورد تجدیدنظر در رهبری حکومت و کنترل غزه پس از پایان جنگ با در اختیار گرفتن قدرت از اسرائیل و حماس هستند.
- در توافق سوم، مقامات آمریکا و عربستان، اسرائیل را تحت فشار قرار می‌دهند تا در ازای برقراری روابط رسمی عربستان با اسرائیل، با شرایط ایجاد یک کشور فلسطین موافقت کند.

۵ ماده‌ای انگلیس

روزنامه انگلیسی فاینشال تایمز روز شنبه اعلام کرد دولت این کشور طرحی پنج ماده‌ای برای پایان جنگ در غزه ارائه کرده است. به گزارش این روزنامه طرح مزبور توسط جیمز کامرون وزیر خارجه انگلیس به طرف‌های جنگ پیشنهاد شده است. این پنج ماده به شرح ذیلند:

- تمام گروگان‌های صهیونیست آزاد شوند.
- پس از آتش بس مذاکرات برای آتش بس دائمی آغاز شود.
- اقتی سیاسی برای تشکیل کشور فلسطینی تعیین شود.
- کابینه‌ای برای مدیریت کرانه باختری و غزه شکل گیرد.
- سران حماس از غزه خارج شده و به کشور دیگری بروند.

۱۰ ماده‌ای اتحادیه اروپا

یورونیوز دو هفته قبل از طرح ۱۰ ماده‌ای اتحادیه اروپا برای آتش بس خبر داده بود که شامل موارد زیر است:

- این روند باید به ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی که در کنار اسرائیل زندگی می‌کنند منجر شود و «عادی سازی کامل» روابط بین اسرائیل و جهان عرب صورت گیرد.
- بازیگران بین‌المللی باید به دو طرف کمک کنند تا زمینه صلح فراهم شود و به ایجاد یک «جایگزین سیاسی احیا شده» به جای حماس کمک کند.
- بازیگران بین‌المللی باید «در اولین فرصت» یک کنفرانس مقدماتی صلح برای حل و فصل جنگ جاری و به‌ویژه دیگری اسرائیل و فلسطین را برگزار کنند.
- کنفرانس باید وزرای خارجه و مدیران سازمان‌های بین‌المللی را گرد هم آورد تا درباره روند صلح گفت‌وگو کنند. درحالی‌که آنها «تقریباً همزمان» جلسات جداگانه‌ای با طرف‌های دیگری برگزار می‌کنند.
- کنفرانس باید کارگروه‌هایی را تشکیل دهد و «چهارچوب اولیه» طرح صلح را ظرف مدت یک‌سال طراحی کند.
- این طرح باید «عملیات حد امکان» به عناصر اصلی برای یک صلح جامع، طبق قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل متحد و تلاش‌های میانجی‌گرایانه بپردازد.
- این طرح باید «تضمین قوی امنیتی» را برای اسرائیل و کشور آینده فلسطین «مشروط به رسمیت شناختن کامل متقابل

دیپلماتیک و یکپارچه سازی اسرائیل و فلسطین در منطقه» ارائه کند.

کنفرانس باید با طرف‌های دیگری «در هر مرحله و در هر زمان» درحالی‌که طرح صلح در حال تدوین است، مشورت کند. مهم این است که اگر هر یک از طرفین تصمیم به عقب‌نشینی بگیرد کار باید ادامه یابد.

این طرح پس از آماده شدن، باید به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها ارائه شود. این برعهده آنها خواهد بود که درباره متن نهایی مذاکره کنند.

به موازات این روند، شرکت‌کنندگان در کنفرانس باید برای کاهش بحران جاری انسانی، تضمین آزادی گروگان‌های اسرائیلی، جلوگیری از تشدید تنش در منطقه، تقویت مشروعیت دموکراتیک تشکیلات خودگردان فلسطین و حمایت از بازسازی غزه تلاش کنند.

مشابهت طرح‌ها

طرح‌های ارائه شده برای صلح توسط گروه‌های فلسطینی یا به وسیله متحدان آنها مانند ایران و الجزایر، ارائه نشده است. قدرت‌هایی مانند چین و روسیه نیز در آن نقش نداشته‌اند، بلکه به‌طور کامل توسط غرب و متحدان این مجموعه تهیه شده است.

از این رو تمام طرح‌ها بر مبنای نجات رژیم و زمینه‌سازی برای تضعیف بیشتر مقاومت فلسطین شکل گرفته است. مشابهت طرح‌های جداگانه ارائه شده برای صلح، خامس‌گاه و اهداف مشترک آنها را نشان می‌دهد:

- حماس باید به‌طور کامل از مشارکت در اداره امور در غزه برکنار شود.
- اداره نوار غزه به تشکیلات خودگردان سپرده شود که هم اکنون اداره بخش‌هایی از کرانه باختری را در دست داشته و پیش از تسلط حماس بر غزه، این قسمت را نیز اداره می‌کرد.
- دورنمای تشکیل کشور فلسطینی در سرزمین‌های ۱۹۶۷ شامل دو بخش کرانه باختری و نوار غزه باید ایجاد شود.
- تمام اسرای صهیونیست در نوار غزه که تعداد آنها به ۱۰۰ نفر می‌رسد باید آزاد شوند اما آزادی تمام اسرای فلسطینی که تقریباً ۷ هزار نفر هستند، پیش‌بینی نشده است.
- اداره نوار غزه چه در امور مدنی و چه در امور نظامی توسط رژیم صهیونیستی صورت نخواهد گرفت. اداره امور امنیتی از

طریق عوامل عربی و تشکیلات خودگردان انجام خواهد شد، اما از طریق همین عوامل، نفوذ امنیتی رژیم بر غزه به شکل غیر مستقیم اعمال می‌شود. عادی سازی روابط میان رژیم و کشورهای عربی پیگیری می‌شود.

موانع

گروه‌های مقاومت همچنان در ماه پنجم جنگ در حال جنگیدن هستند و با کاهش حضور ارتش رژیم در شمال غزه حضور خود در این منطقه را نیز افزایش داده‌اند. در طرح‌های پیشنهادی مشخص نشده که چگونه و چه کسی باید حماس را از اداره غزه برکنار کند.

صهیونیست‌ها صراحتاً امکان تشکیل فلسطین را رد کرده‌اند. وضعیت داخلی صهیونیست‌ها نیز به آنها اجازه مانور سیاسی را نمی‌دهد. پیش از این صهیونیست‌ها شرایط ایجاد تشکیل کشور فلسطین را پذیرفته و سپس در اجرای آن کارشکنی کرده‌اند. در حال حاضر اما به دلیل مخالفت صهیونیست‌های به شدت تندرو، تل‌آویو حتی امکان فریبکاری در این حوزه را ندارد.

طبق پیشنهادها قرار است با میانجیگری آمریکا، عربستان روابط خود با رژیم را عادی سازی کنند و در برابر آن تل‌آویو با شرایط ایجاد یک کشور فلسطین موافقت کند. نکته مهم در این خصوص نقد بودن عادی سازی و نسیه بودن موافقت با شرایط تشکیل کشور فلسطین است. مشخص است چنین توافقی فاقد اعتبار بوده زیرا تحویل حکومت غزه به تشکیلات خودگردان خود می‌تواند در راستای موافقت با شرایط تشکیل کشور فلسطین تلقی شود که اقدامی فریبکارانه است. به دشواری طرف‌های عربی این طرح را قبول کنند. اگر سعودی‌ها نیز به دلیل سیاست‌های خود آن را مورد پذیرش قرار دهند، این موضوع مورد مخالفت فلسطینی‌ها قرار می‌گیرد. به‌طور ویژه این موضوع مورد مخالفت غزه است.

محور مقاومت بر دو پایه «یادآوری ساکنان غزه» و «حملات اضلاع مقاومت در خارج از فلسطین» بنا شده است. هر گاه فشارها بر ساکنان غزه افزوده شود، اضلاع محور مقاومت فشارها بر رژیم را افزایش می‌دهند. بنابراین تلاش برای آتش بس با اعمال فشار علیه غزه تنها می‌تواند به برافروخته شدن آتش جنگ در منطقه دامن بزند. این‌گونه صهیونیست‌ها در محاصره بزرگی فرو می‌روند. از این رو غرب فاقد ابزارهای لازم برای نیل به اهداف خود در جنگ است.